

سیاه جامگان آخر الزمانی

فرانک دولت سازی از القاعده تا داعش

نوشته

ویلیام مک کانتس

ترجمه و تلخیص

محمد حسین باقی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۹

McCants, William Faizi

مکتس، ویلیام فیضی، ۱۹۷۵ - م.
سیاه جامگان آخر الزمانی: فرایند دولت سازی از القاعده تا داعش / نوشته ویلیام مک کانتس؛

ترجمه و تلخیص محمد حسین باقی

تهران: اطلاعات، ۱۳۹۹

۴۸۴ ص:.

978-600-435-131-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان اصلی: The ISIS apocalypse: the history, strategy, and doomsday vision of the

Islamic State, 2015

کتابنامه به صورت زیر نویس

فرایند دولت سازی از القاعده تا داعش

داعش - تاریخ

اسلام و دولت - کشورهای اسلامی - تاریخ - قرن ۲۱ م.

ت. ورسم - جنبه های مذهبی - اسلام

تر. اسم - خاور میانه

آخر الزمان - جنبه های سیاسی

م. و گرای سیاسی - خاور میانه

خاور میا - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م.

باقی، محمد حسین، ۱۳۵۹ - ، مترجم

مؤسسه اطلاعات

HV ۶۴۳۳

۳۶۳/۳۲۵۰۹۵۶

۶۰۱۳۶۱۶

سر شناسه:

عنوان و نام پدید آور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

یادداشت:

یادداشت:

عنوان دیگر

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان دکتر مصدق، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱

تلفن: ۲۹۹۹۳۵۵۶ تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۲۳۲۲

فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

سیاه جامگان آخر الزمانی (فرایند دولت سازی از القاعده تا داعش)

نوشته ویلیام مک کانتس ترجمه و تلخیص محمد حسین باقی

صفحه آرا: زهره حلوائی طراح جلد: رضا گنجی

حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

شمارگان: ۵۲۵ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۳۱-۷ ISBN: 978-600-435-131-7

Printed in Iran همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه مترجم	۱۵
فصل اول/ پرچم سیاه: آیا به این زمان رسید می شویم؟	۲۷
ابومصعب الزرقاوی و بسته شدن «نطفه» دولت اسلامی	۲۸
وضعیت برزخی	۳۹
ظهور پرچم سیاه	۴۵
مهدی، هادی راستین	۴۹
فصل دوم/ در جستجوی مهدی دروغین	۶۵
احیای پروژه خلافت	۷۷
طغیان رهبران القاعده علیه دولت اسلامی	۸۱
فصل سوم/ حاملان بیرق: ظهور پرچم سیاه «دولت اسلامی»	۸۹
ارتش ۱۲ هزار نفری می آید	۹۴
پیروزی از طریق برقراری رفاه	۱۱۰
دولت ناکام	۱۱۶
اهتزاز پرچم ها در بهار عربی	۱۲۶
فصل چهارم/ درگیری های درونی در القاعده و رستاخیز داعش	۱۳۳
برنامه کار	۱۴۴
کسب سرزمین	۱۵۲

۱۵۹	تحقق یک وعده.....
۱۶۳	فصل پنجم / آخرالزمان فرا می‌رسد.....
۱۶۵	غریبه‌ها.....
۱۶۷	دابق.....
۱۷۲	مسیح و دجال.....
۱۷۴	سفیانی.....
۱۷۷	پرچم‌های زرد، پرچم‌های سیاه.....
۱۷۹	برهان شیطانی.....
۱۸۳	خانگی دوازده‌گانه.....
۱۹۳	فصل ششم / خرافت منسوخ شد.....
۱۹۸	برندسازی خلافت.....
۲۰۰	بغداد الرشید.....
۲۰۵	حکم‌راندن بر قلمرو خلافت.....
۲۱۱	دوام و بقا.....
۲۱۴	منجی غایب.....
۲۱۸	آدهان و دلها.....
۲۲۷	فصل هفتم / آخرالزمان بلای جان سیاه‌جامگان.....
۲۲۸	دجال در برابر مهدی.....
۲۲۹	شیعیان و مهدی [ع].....
۲۳۰	بازگشت مسیح.....
۲۳۱	خلافت و آخرالزمان.....
۲۳۲	وهابیت و سلفی‌گری.....
۲۳۳	وزش بادهای وهابیت.....
۲۳۴	سایکس پیکو و انحلال امپراتوری عثمانی.....
۲۳۷	نازی‌ها، اخوان‌المسلمین و ظهور اسلام نظامی.....
۲۴۱	انقلاب اسلامی ایران.....
۲۴۲	جریان توتالیتار اسلامی.....

۲۴۲	تأسیس دوباره خلافت
۲۴۳	جنگ علیه کفار
۲۴۴	برنامه ۲۰ ساله: ۲۰۲۰ تا ۲۰۰۰
۲۴۴	مرحله اول: بیداری مسلمانان (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۰)
۲۴۴	مرحله دوم: باز شدن چشمها (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶)
۲۴۵	مرحله سوم: برخاستن و قیام (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰)
۲۴۵	مرحله چهارم: فروپاشی (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳)
۲۴۵	مرحله پنجم: خلافت (۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶)
۲۴۵	مرحله ششم: تقابل نهایی (۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹)
۲۴۶	مرحله هفتم: پیروزی نهایی (۲۰۲۰)
۲۴۶	مراحل اول و دوم: عهد به عراق و مدیریت توحش
۲۴۸	مرحله سوم و چهارم: بهار عربی، لبنان عربی و جنگ داخلی سوریه
۲۴۹	مرحله پنجم: پرچم سیاه خلافت
۲۴۹	مرحله ششم: تقابل نهایی

پیوست‌ها

۲۵۵	پیوست ۱/ ریشه‌های ایدئولوژیک و پس‌زمینه سیاسی ظهور داعش
۲۵۵	مقدمه
۲۵۷	ریشه‌های وهابی
۲۵۹	ایدئولوژی ترکیبی
۲۶۳	افراط در تکفیری‌گری
۲۶۷	محققان جهادی دولت خودخوانده اسلامی
۲۷۱	نسل صحوه
۲۷۳	توجیه خشونت
۲۷۵	داستان‌سرایی و جهاد
۲۷۷	نتیجه‌گیری
۲۷۹	پیوست ۲/ دوتل داعش با آل سعود

۲۷۹	 مقدمه
۲۸۱	 داعش و وهابیت
۲۸۱	 الگوهای رقیب
۲۸۳	 اولین دولت سعودی - وهابی
۲۸۵	 دولت‌های دوم و سوم سعودی - وهابی
۲۸۶	 چهارمین دولت وهابی
۲۸۸	 خروج از وهابیت
۲۹۰	 داعش در عربستان سعودی
۲۹۰	 ابتدای مسیحیان
۲۹۴	 اتهام ریاکاری
۲۹۵	 توسعه علمی
۲۹۸	 طیف گسترده حامیان
۲۹۹	 صبور باشید؛ عجله نکنید
۳۰۱	 علمای سعودی و داعش
۳۰۱	 علمای مواخذه شده
۳۰۳	 زیر سؤال بردن وهابیت طی عملیات القاعده (P, Q)
۳۰۴	 زیر سؤال بردن وهابیت طی عملیات داعش
۳۰۶	 علما پاسخ می‌دهند
۳۰۸	 تداوم وهابیت بازسازی نشده
۳۰۹	 نتیجه‌گیری
۳۱۱	 پیوست ۳/ از دولت کاغذی تا دولت واقعی
۳۱۲	 دکترین «دولت خودخوانده اسلامی»
۳۱۲	 بُعد اخوانی
۳۱۳	 بُعد سلفی
۳۱۴	 ظهور مکتب جهادی
۳۱۵	 برند داعش
۳۱۷	 ۱- اولین دولت داعش: دوران زرقاوی (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶)

۳۱۷	«راه» زرقاوی
۳۱۸	رویکرد ضد شیعی الزرقاوی
۳۱۹	برنامه زرقاوی (و القاعده) برای خلافت
۳۲۱	دولت خودخوانده اسلامی: ایده‌ای در حال تحول
۳۲۲	۲- دولت کاغذی (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳)
۳۲۲	تأسیس دولت
۳۲۳	دولت اسلامی عراق یا دولت اسلامی در عراق؟
۳۲۵	پیش‌بینی اولیه
۳۲۷	ارتباط با القاعده
۳۳۰	انتخاب رهبر جدید
۳۳۱	دوره بازگشت
۳۳۲	۳- دولت تفرقه (۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴)
۳۳۲	طرد القاعده
۳۳۳	بیعت با البغدادی
۳۳۴	مخالفان بیعت با البغدادی
۳۳۴	شکاف میان علما
۳۳۵	«طرح‌های» مصالحه
۳۳۶	گسست از القاعده
۳۳۷	شکاف در جهادگرایی
۳۳۷	۴- آغاز خلافت (۲۰۱۴ تاکنون)
۳۳۸	تباعات عقیدتی خلافت
۳۳۸	بیعت یا عدم بیعت
۳۳۹	پاتک القاعده
۳۴۲	نتیجه‌گیری
۳۴۵	پیوست ۴/ پدیده شوم قرن جدید
۳۴۵	مقدمه
۳۴۷	تعریف کودک براساس قوانین جهانی

مقدمه مترجم

پیامد ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ فقط مختص به عراق و سوریه نبود. تبعات شکل‌گیری این گروه را - حداقل - از دو جنبه می‌توان ارزیابی کرد: یکی، بُعد فیزیکی این گروه، وسعت قلمرو و از میان برداشتن مرزها و دیگر، بُعد ایدئولوژیک. این گروه با ایدئولوژی آخرالزمانی خود نه تنها به صورت دولت‌ها در سرزمین‌های متصرف شده رفت بلکه رسماً به نظام جهانی و نظم بین‌المللی اعلان جنگ داد. «خلافت خودخوانده» با تئوریزه کردن مجموعه‌ای از مفاهیم از «خلافت» گرفته تا «جهاد» و «آخرالزمان» به نظریه‌پردازی روی آورد و این تئوریات را در مجله «دابق» (رومیة فعلی) و مجموعه کتاب‌هایی که منتشر کرد (۱) به وضوح مطرح ساخت. اما آنچه وجه مشخصه داعش از سایر گروه‌های هم‌نوع یا هم‌فکر است تاکید بر این است که این گروه بر آخرالزمان دارد. در این راستا و برای تحقق آخرالزمان، داعش به نوازی در دو منطقه کلیدی در نگرش خود یعنی عراق و سوریه پرداخت و ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر این دو کشور وارد آورد. رهبری داعش معتقد بود که این گروه همان نیروهای موعود الهی هستند که قرار است به نبرد با دجالان زمان بپردازند. آنها معتقد بودند ظهور داعش به معنای نزدیک شدن آخرالزمان است. میعادگاه‌شان هم «دابق» - شهری در سوریه - بود. اگرچه آخرالزمان در ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و اسلام با ادبیات‌های مختلف آمده و همگی از یک منجی سخن به میان می‌آورند که جهان را به نیکی رهنمون خواهد شد، اما در باور گروه‌هایی مانند داعش، آخرالزمان معنای

دیگری یافت. داعش آخرالزمان را در راستای نگاه خود استحاله کرد.

آخرالزمان اساساً به این معناست که انسان خود و جامعه‌اش را در راستای تحقق آن، اصلاح و آماده سازد. «دولت خودخوانده اسلامی» خود را «حق» می‌داند و معتقد بود که در برابر «نیروهای شر» می‌جنگد. باور آخرالزمانی به این معناست که آن فرد یا گروه جهان را «فاسد» می‌پندارد و می‌کوشد تا آن فساد را به هر شکلی از جهان بزداید. برخی محققان معتقدند که در باور داعش، آخرالزمان یعنی «ویران کردن دنیا برای نجات آن». در این باور، باید نظام‌های مستقری که «دارالکفر» نامیده می‌شوند به هر شکلی ویران شده، براساس باورهای داعشی از نو ساخته شوند تا در مسیر حق قرار گرفته و نجات یابند.

در نظام بدیسه «عش»، «دابق» همان جایی است که قرار است نبرد آخرالزمان از آنجا شروع شود. نظام عزت بر این باور است که پادشاهی خداوند باید «هم اکنون» در زمین برقرار شود. هدف این بدگاه بر هم زدن نظام‌های موجود و بازگرداندن همه چیز به نظم قرون اولیه اسلامی است، یعنی همان دورانی که اسلام با شکوه و با عظمت بود اما به واسطه کفر حاکمان اسلامی از مسیر حق منحرف و باعث شد غرب بر بلاد مسلمین استیلا یابد. داعش هیچ زمان یا تاریخ خاصی برای این آخرالزمان مدنظر خود مشخص نکرد بلکه آن را منوط به موقعیت‌های جغرافیایی و روند حوادث کرده بود. با این حال، پس از شکست این گروه در دابق نه‌تنها «دابق» نیز به «رومیه» تغییر یافت بلکه داعشی‌ها اعلام کردند که «رم» همان جایی است که باید تسخیر شود و به واسطه آن کل دنیا به تسخیر درآید. به عبارت دیگر، پس از این شکست، آخرالزمان آنها از «دابق» در سوریه به «رم» تغییر جهت داد. در قاموس آنان جهان به «کفر» و «حق»، «دارالاسلام» و «دارالکفر»، «نیکی» و «شر»، «صلیبی» و «مسلمان» تقسیم می‌شود. در نگاه رهبران خلافت خودخوانده، هیچ منطقه یا نقطه خاکستری هم وجود ندارد. همه چیز یا سیاه است یا سفید. این نبرد نهایی در شرق مدیترانه رخ خواهد داد و از آنجا به «رم» خواهد رسید؛ اما گویی سرنوشت چیز دیگری رقم زده بود. داعش، دابق را واگذار کرد و دیگر سخنی از آخرالزمان به میان نیاورد. در عوض، پس از خروج از دابق و در نهایت خروج از بخش‌های زیادی از سوریه، ابتدا به «رم» و سپس به «اندلس» چشم دوخت. حملات تروریستی این گروه در مرداد ۹۶ در بازسلونای

اسپانیا نشان داد که «گرگهای تنها» در پیام‌های تهدیدآمیز خود نوک پیکان خود را به «رم» و «اندلس» نشانه رفته‌اند.

براساس این تئوری، «۸۰ کشور با ارتش اسلام به مقابله برخوانند خاست». در نزد بسیاری از جهادیون، ائتلاف غرب و دیگر قدرت‌ها علیه داعش و بمباران این گروه نشانه‌ای است از تحقق آخرالزمان. حقیقت این است که اندکی بیش از ۶۰ کشور علیه این گروه متحد شدند. هدف نیروهای خلافت یک چیز است: تشکیل یک دولت متحد مسلمان، در راستای تحقق اندیشه آخرالزمانی خود. به این ترتیب، داعش وعده «بهشت»، «حوری» و «آزادی» به نیروهای خود می‌دهد. در نگاه آخرالزمانی مرگ و انتحار، شهادت، محراب، مرگ، سرافرازان «آزاد»ند که در «بهشت» عراق و سوریه به «هر عملی» برابر رسانده به بهشت موعود متوسل شوند و دستیابی هر چه بیشتر به «زنان» و «جهاد نکاح» تمهید این همان وعده نکاح با «حوریان»ی است که داعش وعده‌اش را به نیروهای خود داد است.

برخی معتقدند که «هدف داعش مسلمان کردن تمام دنیاست». بحث بر سر توانستن یا نتوانستن نیست، بلکه نفی این دیدگاه مهم است که داعش چه نگاهی به «دیانت» و «اسلام» در سطح جهانی دارد. آنچه داعش در نظر دارد و هرگز آن را پنهان نکرده تشکیل یک «خلافت جهانی» است. در این زمینه باید مرزهای ساخت بشر برداشته شود، هلال شیعه از میان برود و صحنه نبرد در نهایت به خاک اروپا منتقل شود. نیروهای خلافت هیچ محدودیتی در استفاده از دیست اسلام برای رسیدن به هدف خود قائل نیستند. به عبارت دیگر، اسلام ابزاری است در دست این گروه تا به هر آنچه در نظر دارد برسد. اما «گرگهای تنها» در نهایت به غرب حمله می‌کنند. داعش اعتقاد وافری به «پیشگویی» دارد، چه، همین پیشگویی به مثابه چسبی در راستای ایدئولوژی این گروه کاربرد می‌یابد. براساس همین پیشگویی است که «ارتش اسلام» در نهایت بر «رم» و «یهود» فائق می‌آید. داعش خود را تجسم «ارتش اسلام» می‌پندارد. احیای خلافت نقطه آغاز این نبرد جهانی است. داعش معتقد است در آخرالزمان سه ارتش از میان مسلمین برخواند خاست که طومار کفر را به هم می‌پیچد: یکی از شام، دیگری در یمن و سومی در عراق.

آنها در راستای ایدئولوژی آخرالزمانی خود دائماً به احادیث پیامبر(ص)

متوسل می‌شوند؛ گویی این احادیث در دستشان همچون کارتی برای بازی است که هرازگاهی یکی را رو می‌کنند. رهبران «خلافت خودخوانده» معتقدند پیش شرط آن نبرد نهایی، برقراری «خلافت» است و اصل اساسی این «خلافت» هم داشتن سرزمین است. به این ترتیب، مبانی اندیشه‌ای داعش می‌طلبد که این گروه نه یک جنبش زیرزمینی که یک گروه با ادعاهای سرزمینی باشد. اصل «باقیه و تمدد» در اینجا معنا می‌یابد. ترکی بنعلی - یکی از نظریه‌پردازان داعش - در سال ۲۰۱۳ نوشته بود: «خلافت» مستلزم برخی معیارهای قدرت و توانمندی سیاسی است و این دو البته در دولت اسلامی موجود است». داعش پس از تسخیر سرزمین به دنبال تحکیم قدرت خود برآمد تا هم «داشته»‌های خود در عراق و سوریه را حفظ کند و هم نشان دهد که از قابلیت اداره دولت با شهرهای بزرگ و کوچک برخوردار است.

ابومحمد العاصی، سخنگوی وقت داعش، در سال ۲۰۱۳ گفته بود: «ما حظی از زندگی نخواهیم داشت مگر اینکه قدس و اندلس را بازباییم و بر رم فائق آییم». داعش به روش دیگری نیز متوسل می‌شود. این گروه تلاش می‌کند از میان کشورهای اروپایی هم یارکشی کند؛ اما این یارکشی، چه صورت است؟ داعش با دامن‌زدن به نفرت‌پراکنی مذهبی در اروپا و امریکای می‌کوشد تا شرایطی فراهم آورد که مسلمانان ساکن در غرب دیگر خود را جزئی از غرب نبینند تا در حقیقت آنها دچار «از خود بیگانگی» هویتی و «بیگانگی با جامعه غرب» شوند. در قاموس داعشیان، برای نبرد آخرالزمان، مسلمانان ساکن در غرب یا باید به دست داعش بپیوندند یا در دل جامعه غرب دست به عملیات بزنند. آنها که در این میان بی‌طرف می‌مانند، در زمره «کفار» تلقی می‌شوند و باید به مثابه کلیتی از جامعه غربی هدف گرفته شوند. داعش بر این است تا با انجام حملاتی در دل کشورهای غربی، آنها را به «دار مکافات» که همان عراق و سوریه است، بکشاند تا به این وسیله مسیر منتهی به «نبرد نهایی» را تسهیل سازد. (۲)



شکست داعش در عراق و سوریه به معنای شکست کامل این گروه نیست. شاید بتوان داعش را به لحاظ فیزیکی شکست داد، اما شکست این ایدئولوژی دشوار است. ایدئولوژی خلافت اگر هم روزی از میان برود، احتمالاً ممکن است به شکل‌های

دیگری بازگردد. گروهی که تا همین چندی پیش سرزمینی به وسعت بریتانیا را در دست داشت، اکنون فاقد سرزمین بوده و در نقاط مختلفی از جهان پراکنده شده است. یک روایت این است که نیروهای خلافت با انجام حملاتی در عراق و سوریه به دنبال «بازگشتی مرگبار» هستند. به چه معنا؟ اعضای این گروه علاوه بر حملات انتحاری و در برهه‌ای به شکلی جدید دست به حمله زدند. آنها «حملات سوزنی» انجام می‌دادند؛ یعنی با سوزن یا سرنگ آلوده افراد را مورد حمله قرار داده و آنها را به ویروسی مرگبار آلوده می‌کردند. این حمله بیشتر در عراق شایع بود. در سوریه هم از ۳ عصر به بعد که نیروهای سرد پایگاه‌های خود را ترک می‌کردند، فضا برای مانور نیروهای داعش فراهم می‌شد. چون داعش ای، رگ داعش فعال شده و هر که را در مسیرش بود، از سر راه برمی‌داشت. در مناطقی در عراق یا سوریه که پیشتر پایگاه داعش بود و کنترل دولت یا نیروهای ائتلاف در آنجا کم رنگ بوده، احتمال بازگشت داعش بیشتر بود. در برهه‌ای، مسئله فراندوم کردستان در عراق به حمله ترکیه به سوریه باعث شد عمده توجهات به مناطق بحرانی دوخته شود. به همین سبب در مناطق خاکستری امکان پاگیری دوباره داعش محتمل است. البته این گونه نیست. داعش همچون سال ۲۰۱۴ به شکل یک نیروی نظامی توانمند بازگردد؛ چراکه نفرت و تران خود را تا حد زیادی از دست داده، اما می‌تواند در میان اقلیت‌ها و فرقه‌ها و گروه‌های فاقد اقتدار (اعم از اقتدار دولت مرکزی، نیروهای ائتلاف یا یک گروه قدرتمند و سازمان‌یافته) به نفرت‌پراکنی پرداخته و مبادرت به جذب نیرو کند. احیای این گروه از سبب اختصاص نظامی داعش که بعضاً در ارتش بعث صدام خدمت می‌کردند انجام می‌گردد.

روایت دیگر این است که این گروه با از دست دادن سرزمین با اقدامات اسلاف خود روی خواهد آورد: زیرزمینی می‌شود، در سیاست اختلال ایجاد می‌کند، موجب تقویت فرقه‌گرایی می‌شود، موجب دامن زدن به شورش و اقداماتی شورشگرانه می‌شود و در نهایت به شکلی دیگر بازمی‌گردد. با این حال، برخی بر این باورند که ائتلاف غرب در حوزه‌های جغرافیایی وسیع‌تری در خاورمیانه و شمال آفریقا به عملیات خود علیه داعش و زیرشاخه‌هایش ادامه خواهد داد. اما سیاست‌های دولت ترامپ و لفاظی‌های او علیه مسلمانان ممکن است خطر افراطی‌گری را به دنبال داشته باشد و موجب شود که اجتماعات مسلمان و رهبرانشان در داخل آمریکا هیچ‌گونه

همکاری‌ای با پلیس و نهادهای اطلاعاتی نداشته باشند. احتمال دیگر این است که ممکن است نیروهای داعش به مناطقی از لیبی پناه ببرند. صحرای سینا در مصر هم از چنین موقعیتی برخوردار است؛ اما حقیقت این است که هیچ پایگاهی به اندازه عراق و سوریه برای این گروه جذابیت ندارد.

اگر تا پیش از فروپاشی خلافت، این گروه برای مبارزان خارجی جذابیت داشت و خود را «برنده» جا می‌زد، اما اکنون «بازنده‌ای» است که توان حفظ و حراست از خود ندارد. آنها که در عراق و سوریه به این گروه ملحق شدند، به این خاطر بود که داعش به موفقیت‌های فوری دست یافته بود. اکنون یک تغییر گفتمانی در داعش به وجود آمده است: اگر پیش از فروپاشی بر کسب سرزمین پافشاری می‌ورزید، اکنون فقط بر مفهوم حیات خلافت به عنوان نیروی محرکه برای موفقیت‌های آتی خود تأکید می‌کند. ارزشمندی و مقاومت هسته‌های خفته داعش در نقاط مختلف دنیا با وجود شکست رزمی احتمالاً ادامه خواهد داشت، اما به اشکال دیگر. آنها خود را احتمالاً بازسازی خواهند کرد و ممکن است در قالب جدیدی دوباره احیا شوند همان‌طور که القاعده رو به روال در قالب داعش ظهور کرد. (۴)

روایت سوم این است که برخی نیروهای داعش به شرق آسیا به‌ویژه به فیلیپین خواهند رفت. شهر ماراوی در فیلیپین به یکی از بن‌توق‌های نیروهای داعشی تبدیل شده است. گروه‌های شورشی محلی که با داعش اعلام یگانگی کردند، در ۲۳ می ۲۰۱۷ به فیلیپین یورش بردند و پرچم خود را در ماراوی به‌آشپاز درآوردند. هجوم آنها با اعدام مسیحیان این شهر شروع شد. گفته شده بسیاری از مبارزان داعشی یا وفادار به داعش در این شهر، در دهه دوم عمر خود هستند. فیلیپین در داشتن گروه‌های شورشی در میان کشورهای شرق آسیا شاید رکورددار باشد. گروه «ابوسیاف» یکی از همین گروه‌های شورشی قدیمی است. با اعلام خلافت در این شهر، داعش از امکانات بیشتری در منطقه برخوردار خواهد شد. اعضای این گروه می‌توانند مبادرت به جذب نیرو از مالزی (که تنی چند از مبارزان داعش در سوریه و عراق از شهروندان مالزی بودند)، سین کیانگ و مناطق دیگر بردارند. از سوی دیگر، امکان بیشتری برای جذب منابع مالی خواهند داشت. مناطقی از فیلیپین خارج از نفوذ نیروهای دولتی است و بنابراین، استعداد زیادی برای تبدیل شدن به پایگاهی برای مبارزان افراطی

دارد. کشتن رهبران داعش در فیلیپین موجب توقف فعالیت این گروه و گروه‌های وفادار دیگر نشده، بلکه تا حدودی بر میزان فعالیت این گروه نیز افزوده است. (۵) با این حال، قشون‌کشی ارتش فیلیپین به فرمان «دوترته»، رئیس‌جمهور، تا حدودی از فعالیت داعش در این کشور کاسته است.

اندونزی هم به دلیل وسعت قلمرو، داشتن صبغه اسلامی، وجود برخی گروه‌های تندروی اسلامی و نیز به خاطر برخی نیروهای بازگشته داعش از عراق و سوریه، از حمله مناطقی است که استعداد میزبانی داعش را دارد. انجام سه حمله طی ۲۴ ساعت در شهر سورابایای اندونزی در می ۲۰۱۸ از سوی یک خانواده نشان داد که نیروهای بازگشتی داعش آمادگی انجام حملات انفرادی یا خانوادگی در مقیاس کوچک و بزرگ را دارند. (۶)

مهاجران داعش آمریکای جنوبی را نیز بی‌نصیب نگذاشته‌اند. آنها همچون «غبار» در همه جا پخش شده و می‌کشند در مناطق بی‌ثبات جهان یا مناطقی که فاقد اقتدار دولت مرکزی است، [برای مثال، دیدگاه‌های الهام گرفته از ابوبکر ناجی] دولت خاص خود را به وجود آورند. ترینیداد و توباگو کشور متشکل از دو جزیره در دریای کارائیب واقع در شمال آمریکای جنوبی است، با جمعیتی ۱/۳ میلیونی که ۱۰ هزار کلا در پایتخت داعش در رقه فاصله دارد. برخی آمارها نشان می‌دهند که این جمهوری یکی از بیشترین موارد استخدام نیرو برای داعش را در جهان دارد. مردان، زنان و حتی کودکان اهداف داعش هستند. این کشور منابع زیادی از نفت و گاز دارد که باعث رونق اقتصادی آن شده است و باعث شده چشم داعش به این منطقه دوخته شود. در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰ نفر به داعش پیوستند. حتی مجله دابق نیز، در تابستان ۲۰۱۶ با مبارزی به نام «ابوسعبد الترنیدادی» مصاحبه‌ای مفصل ترتیب داد. تهدید برای این کشور کوچک اما ثروتمند این است که آن دسته از شهروندانی که از سوی داعش آموزش دیده‌اند می‌توانند موجب افراطی شدن نسل جوان شوند. شهروندان این کشور می‌توانند بدون گذرنامه به کشورهای منطقه سفر کنند؛ بنابراین امکان تهدید داعش نیز بیشتر می‌شود؛ چراکه مبارزان بدون گذرنامه می‌توانند دایره نفوذ خود را به راحتی به دیگر مناطق هم بگسترانند. در سال ۱۹۹۰ تنها گروه اسلامی در این کشور به نام

«جماعت مسلمین» دست به کودتا زد و نخست‌وزیر و تنی چند از نمایندگان مجلس را گروگان گرفت. اگرچه ارتش اداره امور را به دست گرفت، اما «یاسین ابوبکر»، رهبر این گروه که زندانی شده بود، چند سال بعد از زندان آزاد شد و فعالیتش را از سر گرفت. او در یک سخنرانی خطاب به کشورهای اروپایی گفته بود: «شما صلاحیت اخلاقی ندارید از گردن زدن‌های داعش انتقاد کنید، زیرا خودتان طی انقلاب فرانسه از گیوتین استفاده می‌کردید!» تحلیل‌گران می‌گویند آنها که به داعش پیوسته‌اند، با وعده پول، احترام اجتماعی، قدرت و داشتن همسر(ان) وارد این گروه شده‌اند. (۷)

اعضای این گروه هم پایگاه دیگری برای فراریان داعش است. این کشور چند مزیت دارد: اول، افغانستان دارای منابع غنی زیرزمینی و معدنی است. گفته شده این کشور دارای ذخایر معدنی به ارزش هزار میلیارد دلار است. منابع تریاک هم مزید بر علت است. دوم، از طریق افغانستان نیروهای داعش از امکان نفوذ به پاکستان و شبه‌قاره هم برخوردارند. شبه‌تایوانی‌های ایده‌آل برای داعش است، زیرا دارای جمعیت ۵۰۰ میلیونی مسلمان است. هم، پاکستان و بنگلادش مناطقی هستند که مبارزان داعش می‌توانند پایگاه قدرتمندی برای خود ایجاد کنند. سوم، مبارزان از امکان ورود به آسیای مرکزی و قفقاز برخوردارند. این منطقه به دلیل فقر شدید اقتصادی و وجود دولت‌های سرکوبگر از پتانسیل زیادی برخوردار است. گفتنی است برخی از تأثیرگذارترین و قدرتمندترین مبارزان داعش، تبعه‌ایه برخاسته‌اند. اما مهمترین دلیل، امکان ورود به روسیه و مناطق خودمختار این کشور است. به دلیل حضور گسترده روسیه در نبرد علیه داعش در سوریه، مبارزان این گروه دل‌خونی از روس‌ها دارند؛ بنابراین اعضای این گروه تلاش فراوانی از طریق افغانستان به خرج می‌دهند تا بتوانند به مناطق خودمختار چین، داغستان و در نهایت روسیه ورود کنند. همسایگی افغانستان با چین هم مزیت دیگری است که توانسته این کشور را به نقطه مناسبی برای فعالیت داعش تبدیل کند. (۸) چنین است که برخی از «دولت اسلامی آفپاک» (یعنی افغانستان - پاکستان) سخن به میان آورده‌اند.

شکست سرزمینی داعش اگرچه بزرگترین ضربه به این گروه بود، اما به معنای از میان رفتن کامل این گروه نیست. اگر در دوران داعش، قدرت‌های منطقه‌ای بر مبارزه با این گروه متمرکز شده بودند - لاقلاً در ظاهر - اما پس از داعش، پیکان‌ها

به‌سوی هر یک از بازیگران منطقه‌ای که بکوشند استیلای منطقه‌ای خود را گسترش دهند نشانه خواهد رفت. ترکیه مداخلات نظامی خود در سوریه را بیشتر کرده است؛ روسیه به دنبال عرض‌انداز در برابر قدرت‌های غربی و گستراندن حوزه نفوذ خود به مدیترانه از طریق سوریه است؛ عربستان و هم‌پیمانانش به تسلیح مالی گروه‌های مسلح می‌پردازند؛ و خلاصه، نزاع‌های فرقه‌ای در منطقه پررنگ‌تر شده است. اتفاقی که رخ داده، این است که از زمان شکست داعش در عراق و سوریه، توجه بازیگران منطقه‌ای و منطقه‌ای، به گستراندن حوزه نفوذ و قطع نفوذ دیگری معطوف شده است. در چنین شرایطی، داعش با استفاده از خلأ پیش آمده به بازسازی خود خواهد پرداخت. (۹)



ویلیام مک کانتس - حقوق‌میسسه بروکینگز - در زمینه «اسلام‌گرایی» به‌ویژه تحلیل و شناخت گروه‌هایی مانند داعش و القاعده تخصص دارد. او علاوه بر نوشتن کتاب «رستاخیز داعش: تاریخ، اسرار و نگرش آخرالزمانی دولت اسلامی» مقالات زیادی هم تألیف کرده است. مک کانتس - پنین کتاب «مدیریت توحش» ابوبکر ناجی را - که به همین قلم در مجلد دیگری منتشر شده - به انگلیسی ترجمه کرده است. باری، مجموعه‌ای که پیش رو دارید در قالب «آوردی، تلخیص و ترجمه» استخوان‌بندی این کتاب را همان «رستاخیز داعش»، نوشته مک کانتس، تشکیل می‌دهد؛ اما بخشهایی از این کتاب تلخیص شده است، زیرا در کتاب «در بارگاه خلافت» به شکل مفصل آمده بود و ترجمه آنها در اینجا تکرار می‌کرد. فصل آخر کتاب هم تلخیصی است از فصل اول کتاب «در مورد اسلام» نوشته «کلن بک». آنچه پیش رو دارید، دو مفهوم اساسی در نظام اندیشه داعش را بازتاب می‌دهد: یکی دولت‌سازی و دیگر رستاخیز داعش. مک کانتس با ریشه‌یابی تاریخی برخی نشانگان اسلامی مانند «پرچم» و «دولت» از صدر اسلام، نظام دولت‌سازی القاعده و سپس داعش را بررسی می‌کند و در نهایت به رستاخیز داعش می‌پردازد. در واقع، بخش زیادی از کتاب مک کانتس و فصل اول کتاب گلن بک در ۷ فصل خلاصه و ترجمه شده است. افزون بر این، کتاب دارای ۷ پیوست نیز هست. این پیوست‌ها جنبه‌های دیگری از پدیده داعش را به تفصیل شرح می‌دهند. مخلص کلام آنکه، داعش

نه به عنوان شاخه‌ای از اهل سنت که به عنوان فرزند وهابیت شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۶ یک کنفرانس جهانی متشکل از ۲۰۰ روحانی اهل سنت از نقاط مختلف جهان در چچن تشکیل شد و ضمن ارائه تعریفی جامع از «مذاهب اهل سنت و جماعت» و «شناسایی و معرفی هویت اهل سنت و جماعت» از گروه‌های سلفی - تکفیری اعلام براءت کرده و تأکید کردند که گروه‌های تکفیری همچون داعش که زیر بیرق وهابیت به فعالیت جنایت‌آمیز مشغول‌اند هیچ ارتباطی با اهل سنت ندارند. در واقع می‌توان گفت که جایگاه وهابیت در میان اهل سنت شبیه به موقعیت بهائیت در مسیحیت است. در پیوست ۲ در مورد پیوند داعش با وهابیت در این کتاب آمده. به تفصیل به وجوه اشتراک داعش با وهابیت پرداخته شده است. از آنجا که در مورد این گروه بسیار می‌توان گفت و نوشت و در دو کتاب دیگرم «در بارگاه خلافت: زیست‌نامه جامع داعش و گروه‌های تکفیری» و «مدیریت توحش: واکاوی نظام نظری داعش و سایر گروه‌های مشابه از نگاه ابوبکر ناجی» به تفصیل از این گروه و اندیشه‌هایش سخن رفته است، بنابراین عنان قلم را می‌کشم و سخن را در همین جا متوقف می‌سازم. این مقدمه را سه شنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۶ به رشته تحریر درآوردم و جمعه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ آخرین بازنگری را در آن انجام دادم. در پایان خاطر نشان می‌سازم که تمام پی‌نوشت‌هایی که در پایان فصل آورده شده از آن مترجم است و سایر پی‌نوشت‌های متن که در پایین هر فصل آمده، متعلق به نویسنده است امیدوارم در حد مقدمات بتوانسته باشم دین خود را ادا کرده و اطلاعاتی در مورد چند و چون این پدیده قرن به دست داده باشم.